



Scientific Journal Quarterly of Middle East Studies

Vol 30. No 4. Winter 2024

Received date: 2024.02.26

Acceptance date: 2024.05.08



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: 20.1001.1.15601986.1402.30.4.2.1

Kirkuk: Continued and Moderated Conflict Over Identity, Wealth and Power

Ghadir Nasri¹



Abstract

The main problem of this article is to explore the Kirkuk equation by focusing on the hidden Battle of the three clusters of Kurdish, Arabic and Turkmen over the acquisition and development of wealth, Prestige and power. Based on that, the main question is, what are the three groups of Kurds, Turkmen and Arabs capable of and plans to enjoy more economic opportunities and protect their privileged status? Assuming that the present process will be stable and the game changer will not emerge what scenarios are possible to emerge and realize According to the author, the realization of any future scenario in Kirkuk is subject to the strategic considerations of Baghdad, Ankara, Erbil – Sulaymaniyah and Tehran. Because of the diversity of these actors, as well as the growing conflict between them, firstly, we will see a conflict over wealth and status in this vital region. second, in Kirkuk tomorrow, the cluster will have an upper hand that is firmer connected to the military field. Accordingly, in line with Iraq's rise to power, Baghdad's game-building power seems to be gradually increasing. The method of testing this hypothesis is not based on fantasy and prejudice, which has been done through the Critical Study of the basic texts, the observational experiences of the author in the Kurdistan and Baghdad regions and dialogue with three sets of Kurdish and Arab political activists, academic specialists and some ordinary people (both Kurdish and Arab and Turkmen).

Keywords: Politicization of Identity, Vital Area, Prolongation of Conflict, Interventionability, Disputed Areas.

1 - Associate professor of Political Science, Faculty of Law & Political Science, Kharazmi University, Tehran, Iran.



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه

سال ۳۰، شماره ۴، پیاپی (۱۱۴)، زمستان ۱۴۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۹

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: ۲۰,۱۰۰۱,۱,۱۵۶۰۱۹۸۶,۱۴۰۲,۳۰,۴,۲,۱

نوع مقاله: پژوهشی

کرکوک: استمرار و تعدیل ستیز بر سر هویت، ثروت و قدرت

قدیر نصری^۱



چکیده

مسئله مقاله حاضر، کاوش در معادله کرکوک با تمرکز بر نبرد پنهان سه خوشه کردی، عربی و ترکمن بر سر کسب و توسعه ثروت، منزلت و البته قدرت است. استوار بر آن مسئله، پرسش اصلی این است که سه گروه کرد، ترکمن و عرب چه قابلیت و برنامه‌ای برای برخورداری بیشتر از فرصت‌های اقتصادی و صیانت از منزلت ممتاز خود دارند؟ با فرض اینکه روند حاضر، باثبات خواهد بود و نیروی شگفتی‌سازی ظهور نخواهد کرد، چه سناریوهایی امکان ظهور و تحقق دارند؟ به گمان نگارنده، تحقق هر سناریویی در کرکوک آینده، تابع ملاحظات استراتژیک بغداد، آنکارا، اربیل-سلیمانیه و نیز تهران است. به دلیل تنوع این بازیگران و نیز تعارض و تخاصم فزاینده بین آنها، اولاً شاهد تطویل نزاع بر سر ثروت-منزلت در این منطقه حیاتی خواهیم بود؛ ثانیاً، در کرکوک فردا، خوشه‌ای دست بالا را خواهد داشت که اتصالش به میدان نظامی محکم‌تر باشد. بر این اساس، همسو با قدرت‌گیری عراق، به نظر می‌رسد رفته رفته بر قدرت بازی‌سازی بغداد افزوده می‌شود. روش آزمون این فرضیه نه بر اساس خیال و تعصب که از طریق مطالعه انتقادی متن‌های اساسی، تجارب مشاهدتی نگارنده در اقلیم کردستان و بغداد و گفتگو با سه مجموعه فعالان سیاسی کرد و عرب، متخصصان دانشگاهی و بعضاً توده مردم عادی (اعم از کرد و عرب و ترکمن) صورت گرفته است.

واژگان کلیدی: سیاسی شدن هویت، منطقه حیاتی، تطویل اختلاف، مداخله‌پذیری، مناطق مورد اختلاف (مناطق متنازع فیه).

مقدمه

در غالب متن‌ها و تحلیل‌ها، استان کرکوک (تمیم) مترادف است با منابع غنی نفت و گازی که در این منطقه نهفته است. اما مولفه‌های مادی فقط یکی از عناصر حیاتی شدن مسائل این منطقه هستند. از حیث جغرافیایی، کرکوک نقطه تماس عرب‌ها با کردها، ترکمن‌ها با عرب‌ها و کردها، همچنین کردهای حزب اتحادیه میهنی با حزب دموکرات است. همان گونه که موصل (مرکز استان نینوا)، محل وصل سه گروه عرب، کرد و ترک بوده است. این تنوع جمعیتی به اضافه آن منابع غنی انرژی، بازیگران زیادی را به منطقه خوانده تا هوادار خوشه همسو با خود باشند. به عنوان نمونه، ایالات متحده آمریکا خود را ناجی کردها از خطر نابودی می‌شمارد و در پی آن است ضمن حفظ حقوق آنها، بغداد را نرنجاند. اسرائیل، کردها و به طور کلی هر بازیگر غیر عرب (مانند کردها، آذری‌ها، ایرانی‌ها و ترک‌ها) را یک شریک بالقوه می‌بیند. ترکیه، تأسیس اقلیم کردستان و افزوده شدن کرکوک به آن را کانون تجمع برای کردها می‌داند که همچون مغناطیسی کردهای منطقه را گرد خود جمع خواهد کرد، ایران و سوریه نیز با اندک تفاوت‌هایی مانند ترکیه می‌اندیشند. در این میان، خواست نخبگان کرد عراق نیز اهمیت چشمگیری دارد (مصطفی، ۱۳۹۰: ۴۱). نخبگان سیاسی کرد عراق، کرکوک را «خیابان کردی» یا «بیت المقدس کردها» می‌شمارند (جناب، ۱۳۸۵) و کردستان منهای کرکوک را منطقه‌ای فقیر و آسیب‌پذیر می‌نامند. آنها به شرطی از الحاق کرکوک به اقلیم حمایت می‌کنند که سهم درخوری کسب کنند. همان گونه که نگرانی کادر رهبری اتحادیه میهنی در جریان همه‌پرسی سال ۲۰۱۷، مبنی بر سیطره احتمالی حزب دموکرات کردستان بر سرنوشت کرکوک، آنها را از همراهی حزب دموکرات بازداشت. علاوه بر بازیگران خارجی، خوشه‌های هویتی داخل کرکوک هم ملاحظات قابل توجهی دارند که به استمرار بحران کمک می‌رساند. طبق ادعای مسیحیان آسوری، هنگامی که کردها از کوه‌ها پایین آمدند منطقه آبادی را در کرکوک رؤیت کردند که به دست مسیحیان ساخته شده بود. ترکمن‌ها بر آن‌اند که اکثریت جمعیت شهر کرکوک در سال‌های پیش از جنگ دوم جهانی با ترکمن‌هایی بود که به عنوان قومی تبارمند در موصل و کرکوک سکنی داشته‌اند. کردها هم که امروز اکثریت جمعیت کرکوک را به خود اختصاص داده‌اند، بر آن‌اند که راه مسعود بارزانی ادامه مبارزات پدرش ملا مصطفی بارزانی و دیگر مجاهدین کرد است که همواره خواهان الحاق کرکوک به منطقه کردستان بوده‌اند. از دید عرب‌ها، کرکوک بخشی از جمهوری عراق است که اکثریت جمعیت آن را عرب‌ها تشکیل می‌دهند و کرکوک صرفاً یکی از استان‌های هجده‌گانه عراق است. تلقی کرکوک در زمان حکومت صدام، غالب بود. با

سرنگونی صدام به خصوص با برآمدن داعش در عراق، کرکوک از سیطره عرب‌ها خارج و در اختیار کردها قرار گرفت. اما با افول داعش، برگزاری رفراندوم ۲۰۱۷، قدرت‌گیری مجدد بغداد و نیز با بروز اختلاف بین دو خوشه کردی (حزب دموکرات-اتحادیه میهنی) شاهد افول در موضع کردی هستیم.

شاخص‌های قابل درک برای حیاتی نامیدن کرکوک

مؤلفه‌های حیاتی‌ای که وزن اقتصادی و اعتبار استراتژیک کرکوک را مشخص می‌کنند عبارت هستند از:

یک. موقعیت ژئواکونومیک

با فرض اینکه موقعیت ژئواکونومیک ناظر بر مکان استقرار یک منطقه و مواد حیاتی نهفته در آن است، می‌توان شهر و ایالت کرکوک را دومین منطقه ژئواکونومیک عراق قلمداد نمود. گفتنی است کشور عراق از ۱۹ استان متنوع تأسیس شده، یکی از آنها بصره است که با ۱۹/۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت (دو برابر کرکوک) بیش از ۶۰ میلیارد بشکه نفت مرغوب دارد و علاوه بر نفت، میلیاردها متر مکعب گاز را در خود جای داده است (Alkadiri, 2010)؛ اما بعضی دیگر از استان‌ها (مانند استان الانبار با ۱۳۷/۷۰۰ کیلومتر مربع مساحت)، عملاً لم یزرع و خالی از سکنه هستند و تراکم جمعیت در این استان‌ها حداکثر ۱۰ نفر در هر کیلومتر مربع است. برخی استان‌های عراق نظیر کربلا، بابل و بغداد (هر کدام با حدود ۵۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت) به لحاظ سخت‌افزاری، منبع حیاتی مهمی ندارند اما به لحاظ نرم‌افزاری، عناصر نیروبخشی دارند و از هویتی بسیج‌گر و دراز آهنگی برخوردار هستند. به عنوان مثال، شهر کربلا به واسطه مقدس بودن حائز اهمیتی اقتصادی، تجاری و توریستی است. لیکن شهر کرکوک هم از لحاظ موقعیت استقرار، هم به دلیل پیشینه تمدنی، تجاری و صنعتی جایگاه ممتازی دارد. کرکوک در ۲۳۳ کیلومتری شمال بغداد واقع شده و از طریق راه آهن و جاده به بغداد متصل است. قسمت قدیمی شهر در اطراف دژی که روی تپه‌ای باستانی واقع هست، احداث گردیده است. کرکوک در زمان حکومت آشوری‌ها در قرون ۹ و ۱۰ پیش از میلاد، به نام عرفه (Arrapha) شناخته می‌شد. مسجد دانیال نبی (قرن ششم پیش از میلاد) در قسمت قدیمی شهر واقع شده است. این شهر مرکز داد و ستد محصولات کشاورزی و دامی نواحی زراعی پیرامون خود است. در حال حاضر بیش از ۶۵۰/۰۰۰ نفر در استان کرکوک سکونت دارند و مراکز پالایشگاهی و فراورده‌های نفتی، مهم‌ترین منبع درآمد و اشتغال

در شهر کرکوک است. علاوه بر آن، کرکوک دارای خطوط لوله نفت هم هست که نفت و محصولات نفتی را به بنایاس سوریه، تریپولی لبنان و یومورتالیک ترکیه منتقل می‌نماید.

کرکوک در داخل عراق هم اهمیتی ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک دارد. استان کرکوک با دو استان کردنشین (اربیل در شمال و سلیمانیه در شمال و شرق) همجوار است و در جنوب و غرب آن استان صلاح‌الدین واقع شده است. در واقع استان صلاح‌الدین از جنوب و غرب و دو استان اربیل و سلیمانیه از شرق و شمال، کرکوک را در بر گرفته‌اند (کاویانی، ۱۳۸۷: ۵۶). نباید فراموش کرد که استان صلاح‌الدین با ۲۹/۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت یکی از استان‌های بزرگ و مهم عراق است که نیروهای صدام حسین در جریان عملیات‌های موسوم به انفال با عبور از این استان به مناطق کردنشین حمله‌ور می‌شدند. تشخیص حزب بعث به رهبری صدام حسین این بود که متمرکز و نیرومند شدن کردها در کرکوک به زیان بغداد است و یگانه راه علاج این عارضه، اخراج کردها از مناطق استراتژیک و جایگزینی آنها با اعراب مرکز و جنوب عراق است. بر اساس همین محاسبه بود که «طی عملیات انفال حدود ۱۸۲/۰۰۰ نفر از کردها در اثر حملات هوایی (بعضاً شیمیایی) کشته شدند، ۳۰۰/۰۰۰ نفر از کردها ناپدید و ۱/۵ میلیون نفر آواره، تبعید و جا به جا شدند (Yildiz, 2004: 105). این تعداد آواره، کشته و ناپدید معادل نیمی از جمعیت اقلیم کنونی کردستان است. اگر روایت ییلدیز صحت داشته باشد، از هر دو نفر کرد عراقی، یکی از آنها در معرض حمله و ضربه حملات بعثی‌ها بوده و از نزدیک آن را تجربه کرده است، چنین تجربه‌ای اکنون خود به منبع عظیم بسیج کردها بدل شده است؛ کردها از این حیث، خود را با یهودی‌ها قیاس می‌کنند.

همچنین، استان کرکوک به دلیل داشتن زمین‌های مرغوب، آب مناسب، بارندگی متوسط و صنایع پویا دارای جمعیتی در حال رشد است. عمده جمعیت استان کرکوک در شهر مرکز آن (با جمعیتی حدود ۷۵۰ هزار نفر در سال ۲۰۰۹) و در شش شهر مهم دیگر از جمله الحویجه، دیبیس، چمچمال، دوز، کفری و که لار متمرکز هستند. به واسطه رونق تجارت، مهاجرت کردهای رانده شده و مسافرت‌های طبیعی، شهرهای مزبور به نواحی جدیدتری تقسیم شده‌اند که از جمله آنها می‌توان به ناغجه له، شوان، پروی، عباسیه، تازه، سه نگاو و بیباز اشاره کرد. چمچمال و شوران دروازه شمالی ورود به کرکوک هستند و حویجه یا همان الحویجه در جنوب کرکوک قرار دارد. کرکوک با هیچ کشور خارجی همسایه نیست. برای رسیدن به سوریه، باید از استان‌های صلاح‌الدین و نینوا در شرق عبور کرد و دو استان اربیل و سلیمانیه هم بین ایران و کرکوک قرار دارند. برای حرکت از کرکوک به سمت ترکیه نیز باید از

دو استان سلیمانیه و اربیل در شمال گذر کرد. رود دجله که از کوه‌های پر برف آناتولی سرچشمه می‌گیرد پس از ورود به خط مرزی ترکیه-سوریه، وارد استان‌های دهوک و نینوا در شمال غرب کرکوک می‌شود و در ادامه از کرکوک و صلاح‌الدین عبور کرده، روانه بغداد می‌شود. جریان آب دجله در مناطق مزبور نقش مهمی در رشد کشاورزی، شهرنشینی و صنعت توریسم دارد.

در پی جنگ ۱۹۹۱ آمریکا و متحدانش با عراق و کشتار وسیع شیعیان به دست صدام حسین، با پیشنهاد فرانسه و تصویب آمریکا و انگلستان، منطقه پرواز ممنوع در نوار ۳۶ درجه شمالی برقرار شد و کردها برای اولین بار مصونیت از کشتار و تعقیب ارتش عراق را تجربه کردند. این وضعیت، به استثنای معدودی جنگ داخلی بین دو حزب دموکرات و اتحادیه میهنی، تا سال ۲۰۰۳ تداوم یافت و با سرنگونی صدام حسین، کردها برای همیشه از توتالیتاریسم بعثی خلاص شدند. در چنین فضایی که دغدغه بقاء برطرف شد و ضرورت توسعه اقتصادی و ترمیم زخم‌های پیشین مطرح شد، کرکوک و منابع آن به منبع تنش و چالش بدل شد. مقامات اقلیم کردستان با عزمی بی‌سابقه و سنجیده به صورتی ماهرانه در کریدورهای قدرت عراق و منطقه حاضر شدند و حاصل این اجماع، تثبیت امنیت و تدارک آبادانی در اقلیم کردستان بود. به گفته آشتی هورامی (وزیر منابع طبیعی اقلیم کردستان در سال ۲۰۱۲)، همسو با رشد اقلیم توجه به موضوع کرکوک، دو چندان می‌شود و کردها درمی‌یابند که بدون کرکوک راه دشواری در پیش دارند. به گفته هورامی، اقلیم کردستان به اندازه کشور لیبی و نیجریه نفت دارد و مقامات اقلیم طبق قانون اساسی عراق از شرکت‌های عظیم بین‌المللی نظیر اگرون و موبیل دعوت کرده‌اند تا به استخراج نفت و توسعه میادین نفتی در شمال عراق بپردازند. در پرتو ده‌ها میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در تولید برق، تأسیس دانشگاه‌ها، توسعه شبکه‌های مواصلاتی و تمهید امنیت، حکومت خودمختار اقلیم کردستان موفق شده است صادرات نفت اقلیم را از یکصد هزار بشکه به یک میلیون بشکه (و ۱/۵ میلیون بشکه در سال ۲۰۱۵) برساند، تسهیلات و حقوق مکفی ۱۳۲/۰۰۰ دبیر، ۹۰/۰۰۰ پیشمرگه، ۲۵۰/۰۰۰ دانشجو و ۳۰۰۰ استاد دانشگاه را تأمین نماید (نجار، ۱۳۹۰: ۱۰۳). به این ترتیب درآمد سرانه کردهای عراق از ۲۰ دلار در سال ۱۹۹۲ به ۴۵۰۰ رسیده، تولید ۱۶۰۰ مگاوات برق و انتقال آن به کرکوک عملی شده، تا ابتدای سال ۲۰۱۳، ۱۷ میلیارد دلار سرمایه در صنعت و مسکن و ۳۷ میلیارد دلار (عزت عیسی، ۱۳۹۰: ۱۳۷) در تولید برق سرمایه‌گذاری صورت گرفته و مقامات اقلیم عزم کرده‌اند اقلیم کردستان را به دموکراتیک‌ترین منطقه خاورمیانه تبدیل نمایند. بر اساس بعضی برآوردها، طی

سالیان آتی اقلیم در حد و اندازه نروژ و قطر به ایفای نقش خواهد پرداخت (مصاحبه آشتی هورامی با شبکه بی.بی.سی در مورخه ۱۶ مهر ۱۳۹۱).

گفتنی است در حوالی کرکوک، بیش از ۲۸ منطقه نفت خیز شناسایی شده است. ذخایر گاز این منطقه هم قابل توجه است و طبق گزارش‌های منتشره، عراق پس از ایران و قطر بیشترین گاز منطقه را دارا می‌باشد و بخش مهمی از این منابع در شمال عراق واقع شده است. گزارش‌هایی از وجود ۴۵ میلیارد بشکه نفت در شمال عراق -به‌ویژه در کرکوک- حکایت دارند. طبق قانون اساسی عراق، ۱۷ درصد درآمدهای نفتی عراق از آن اقلیم کردستان است. به عبارت دیگر، با صدور هر بشکه نفت از اقلیم، از سهم این منطقه از بودجه کل کاسته می‌شود. به گفته مقامات کرد اقلیم، ۷۰ درصد از بودجه دریافتی از بغداد صرف حقوق کارکنان اداری و امنیتی شده و ۳۰ درصد بقیه در امور زیربنایی سرمایه‌گذاری می‌شود. سهم اقلیم کردستان در سال ۲۰۰۹ به ۱۲ میلیارد دلار رسید که بخشی از آن از طریق صدور نفت (۱۵۰ هزار بشکه از محل زاخو و با همکاری شرکت نفتی نروژی) تأمین و بقیه از بغداد دریافت گردیده است (عیسی، ۱۳۹۰: ۱۳۵)؛ این نسبت همیشه ثابت نبوده است. مقامات محلی اقلیم همواره بر سر میزان نفت صادره از حوالی کرکوک با بغداد مشکل داشته‌اند و به زعم بغداد، رهبران محلی کردستان در گزارش میزان درآمد نفتی به بغداد صادق نیستند. شدت اختلاف در گاهی مواقع به حدی رسیده که بغداد تخصیص سهم ۱۷ درصدی اقلیم از نفت صادراتی عراق به اقلیم کردستان را محدود تعلیق یا حتی قطع کرده، پرداخت همه سهم اقلیم را منوط به تسویه حساب نفت صادراتی از اقلیم به مقصد ترکیه و سایر خریداران نموده است.

دو. رهبری خردمندانه

رهبری خردمندانه، در حد وسط رهبری هیجانی (Mobocratic Leadership) و رهبری سهل‌انگارانه قرار دارد. در این قسم از راهبری، رهبر خردمند هم اهل سازش است و هم اهل ستیز و قاطعیت. علاوه بر آن، رهبران خردمند بین توانایی‌ها و تعهدات خود نوعی توازن برقرار می‌کنند و مراقب هستند تا تعهدات فوری از توانایی‌های موجود پیشی نگیرد. همچنین یک کارکرد کلیدی رهبری خردمند، ایجاد موازنه بین نیروهای داخلی با منطق و مناطق بین‌المللی تراکم قدرت است. به این مضمون که رهبران خردمند اصولاً به کانون و موضوع تراکم قدرت آگاه هستند و زمان‌پریش (Anachronist) نیستند، آنان می‌دانند که کدام موضع و سخنی، متضمن قدرت و رهایی است و کدام مواضع و سخنان می‌توانند منابع موجود را تلف نموده و اسباب زوال و انزوا شوند.

بر این اساس، یکی از نکته‌های اساسی برای فهم سرشت و سرنوشت مسئله کرکوک، میزان توانایی رهبران دخیل در برآورد صحیح روندها می‌باشد. موضوع رهبری و اتخاذ موضع خردمندانه در خصوص کرکوک از آن رو اهمیت مضاعف دارد که قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای متعددی که با همدیگر در تعارض بوده‌اند، در معادله کرکوک ذی‌نفع و صاحب نقش هستند. برقراری موازنه بین نیروهای دخیل و اجتناب از مخاطره، مهم‌ترین معمای (dilemma) امنیت در کرکوک و کل اقلیم کردستان بوده است. در حوزه خاورمیانه، مجموعه‌ای از قدرت‌های مهم منطقه از جمله ترکیه، ایران، سوریه، عربستان سعودی، بغداد (عراق) و اسرائیل در شکل‌دهی به این معادله معماوار دخیل بوده‌اند. در خارج از منطقه نیز مواضع چهار کشور ایالات متحده آمریکا، انگلستان، فرانسه و روسیه، بر سرنوشت کردهای اقلیم و به‌ویژه کرکوک تأثیرگذار بوده است. همان گونه که گذشت، تعدد قدرت‌های دخیل و شدت تعارض بین آن قدرت‌ها، معادله کرکوک را لاینحل ساخته و هر تصمیمی را به نوعی مخاطره تبدیل کرده است، به‌عنوان مثال، تصمیم آمریکا برای اعلام کرکوک به‌عنوان شهری چند فرهنگی (Multicultural)؛ ضمن اینکه مطابق با ضوابط دموکراتیک و هنجارهای اخلاقی است، موجب رنجش توأمان متحدان آمریکا در اربیل و بغداد می‌شود. همچنین موضع مقامات اقلیم کردستان در اعلام کرکوک به‌عنوان بخشی از اقلیم، هم‌زمان موجب نارضایتی بغداد، آنکارا و حتی ایران می‌شود که منافع بلند مدت خود را با پدیداری اقلیم یا کشوری نافذ در شمال عراق همسو نمی‌بینند.

پیچیدگی‌هایی از نوع بالا، دقت و تصمیمات و هوش رهبران را بسیار مهم و اثربخش می‌سازد و ممکن است با یک محاسبه نادرست، تنش فراگیری کل منطقه را در بر بگیرد. به نظر می‌رسد رهبران دو حزب دموکرات و اتحادیه میهنی کردستان (مسعود بارزانی و جلال طالبانی) پس از یک دوره طولانی ستیز و معارضه (از سپتامبر ۱۹۹۸ به‌ویژه از بهار ۲۰۰۳ به بعد)، مدیریت خردمندانه‌ای را پیشه کردند تا از فرصت بین‌المللی و منطقه‌ای موجود حداکثر استفاده را به عمل آورند. آن دو، هم اکنون همدیگر را به رسمیت شناخته‌اند، از ائتلاف با قدرتی خارجی علیه همدیگر اجتناب می‌ورزند و تمام تلاش خود را معطوف به تقویت امنیت و رفاه اقلیم کردستان ساخته‌اند. بارزانی و طالبانی (۱۹۳۳-سوم اکتبر ۲۰۱۷) هر دو کرکوک را بخشی از اقلیم کردستان شمرده، بر ضرورت الحاق آن به اقلیم تأکید داشته‌اند. به نظر می‌رسد تا پایان عمر جلال طالبانی در اکتبر ۲۰۱۷، تقسیم کار هوشمندانه‌ای هم بین آن دو صورت گرفت، به این معنا که پیگیری علایق و منافع اقلیم در بغداد به عمده جلال طالبانی بود که جایگاه حقوقی (به‌عنوان رئیس‌جمهور عراق) و تجربه سیاسی (شصت سال فعالیت سیاسی-چریکی) مناسبی

داشت. ارتقای آگاهی قومی و حفظ هژمونی کردها در شمال عراق و مناطق مورد اختلاف بر عهده مسعود بارزانی بوده که ذاتاً سیاست‌مداری پراگماتیست و در عین حال یک ناسیونالیست رادیکال است. بارزانی به محض مشاهده صدای شکستن استخوان‌های عراق زیر پای داعش، بارها سخن از ناممکن بودن ادامه حیات عراق فعلی گفت و بارها تکرار کرد که همسایه بودن و در صلح زیستن بهتر است از در خانه زیستن و در جنگ بودن.

در مقایسه با نخبگان کردی، نخبگان رقیب یعنی نمایندگان عرب‌های سنی و ترکمن‌ها (شیعه و سنی) کرکوک فعالیت چشمگیری نداشته‌اند. ترکمن‌های شیعه کرکوک عموماً به جریان مجلس اعلا - تحت رهبری عمار حکیم - گرایش داشته‌اند و ترکمن‌های سنی عموماً به ترکیه گرایش دارند. ترکمن‌ها از پشتیبانی طبیعی ترکیه برخوردار هستند، چیزی که کردها از آن محروم‌اند و در واقع هیچ پشتیبان طبیعی در جهان ندارند. مهم‌ترین موضوع مورد تأکید ترکمن‌های کرکوک، اکثریت جمعیت آنها در نیمه اول قرن بیستم است که حسب اسناد، تعدادشان حدود نیمی از جمعیت شهر کرکوک را تشکیل می‌داده است (Salih, 2003: 7).

عرب‌های سنی کرکوک نیز، هم با «بحران تصویر» مواجه هستند و هم در مقابل کردها، تعداد قابل توجهی را تشکیل نمی‌دهند. استدلال عرب‌ها در مقابل گلاویه‌ها و توقعات کردها این است که نسل‌کشی سازمان یافته‌ای صورت نگرفته و ستم صدام بر عرب‌ها کمتر از ستم او بر کردها نبوده است. به زعم عرب‌ها، همسو با صنعتی شدن کرکوک، عرب‌ها نیز مانند دیگران به کرکوک مهاجرت کرده و در صنعت نفت و اراضی حومه کرکوک مشغول به کار شده‌اند. اما آن گونه که صالح در اثر تحقیقی «آینده کردستان عراق» (۲۰۰۳) ادعا می‌کند، استدلال هیچ‌کدام از طرفین به اندازه استدلال کردها قوت ندارد. به باور کردها، کرکوک به لحاظ ساخت سرزمینی، تبار تاریخی، ترکیب جمعیت و اصل انصاف بخشی از خوشه کردستان است (Ibid). اما بر خلاف ادعای صالح، همان گونه که در فرضیه مقاله آوردیم، اصلی‌ترین فاکتور در این منطقه برخورداری از قدرت میدانی (نظامی - استراتژیک + حامی قدرتمند طبیعی) است نه اخلاق و انصاف و پیوستگی جغرافیایی.

صالح همسو با بسیاری از فعالان سیاسی - حقوق بشری کرد ادعا می‌کند که از حیث جغرافیایی، زمین شناختی، جمعیتی، تاریخی و اخلاقی، اقلیم کردستان صلاحیت سیاسی - اخلاقی بیشتری دارد تا کرکوک را در اختیار بگیرد. از این منظر گفته می‌شود که اولاً هیچ مانع و عوارض طبیعی، اقلیمی، آبی و کوهستانی کرکوک را از بقیه مناطق کردنشین عراق جدا نمی‌کند و کرکوک، ادامه طبیعی - جغرافیایی

اقلیم کردستان است. ثانیاً استدلال جمعیتی کردها بر این پایه استوار است که حکام عرب، همواره کردها را رقیب بغداد دیده و به مهندسی جمعیت و حتی نسل کشی متوسل شده‌اند تا مانع تحرک کردها شوند. طبق این استدلال، خاندان هاشمی و پس از آن بعثی‌ها، با اسکان دادن عرب‌ها و حمایت از ترکمن‌ها کوشیده‌اند توسعه کردها را به تعویق بیندازند. کردها به قوانین استخدام در نهادهای دولتی و نیز هویت مسئولان ارشد شهر در نیم قرن منتهی به سال ۱۹۹۱ اشاره می‌کنند که طی آن هیچ کردی حق نداشت به مناصب عالیه نایل آید. اوج اقدامات کردزدایی از کرکوک و مناطق حاصل خیز و استراتژیک عراق در زمان حکومت صدام حسین و در قالب سه عملیات انفال صورت گرفت که طی آن صدها روستا نابود و هزاران نفر از کردها تبعید، آواره و زخمی شدند. تعداد قربانیان کرد طی این سال‌ها بین ۱۰۰ تا ۱۸۲ هزار نفر ذکر شده است (بیلدیز، ۲۰۰۵: ۹).

سومین استدلال کردها برای اثبات تبار کردی کرکوک، استدلال تاریخی است که طبق آن تمدن‌های منطقه‌ای همگی کردی بوده‌اند و هیچ نماد تمدنی غیر کردی در این منطقه به چشم نمی‌آید. طی دوره‌هایی که کردها در این مناطق اکثریت داشته‌اند، هرگز با اقلیت ترکمن، عرب یا آسوری رفتاری تحقیرآمیز و تخریبی به سبک بعثی‌ها نداشته‌اند. چهارمین استدلال مطرح در این باب، صبغه اخلاقی دارد که بر اساس آن تأکید می‌شود که ملاحظات استراتژیک نباید مصالح و فضایل اخلاقی را تحت الشعاع قرار دهند (Brendan, 2005: 41).

در مقابل کردها، البته ترکمن‌ها و عرب‌ها نیز استدلال‌های متقنی دارند؛ ترکمن‌ها استدلال می‌کنند که اولاً حداقل در مقطعی از قرن بیستم (مثلاً پس از جنگ دوم جهانی) اکثریت جمعیت شهر کرکوک ترکمن بوده و کردها فقط در حومه شهر پر تعداد بوده‌اند، ثانیاً سیاست انکار و نسل کشی صدام حسین فقط کردها را هدف قرار نداده بلکه شامل شیعیان و بعضاً ترکمن‌ها هم بوده و کردها نمی‌توانند با یادآوری مکرر سیاست‌های بعثی‌ها، حقوق ترکمن‌هایی را که هرگز ستمی به کردها روا نداشته‌اند، انکار کنند. عرب‌های شیعه نیز خود را قربانی سیاست‌های تبعیض‌آمیز بعثی‌ها می‌شمارند و معتقد هستند که فقط تعداد خیلی کمی از عرب‌ها، به صورت تعهدی به کرکوک گسیل داده شده‌اند و وزن کنونی اعراب در منطقه کرکوک نوعی جا به جایی طبیعی جمعیت در پی رونق صنعت نفت در کرکوک می‌باشد. این قبیل استدلال‌ها در کنار علاقه کردها به داشتن محیطی امن و توسعه‌یابنده، همگی سبب شده تا مقامات اقلیم، آهنگ مطالبات خود در خصوص کرکوک را تعدیل کنند. مقاومت غیر کردها در کرکوک، هراس مقامات اقلیم از اجماع قدرت‌های منطقه‌ای، سیاست مبهم آمریکا در باب کرکوک و بالاخره بهره‌مندی

اقلیم کردستان از عایدات نفتی عراق (۱۷ درصد بودجه کل عراق به اقلیم اختصاص دارد) همه و همه دست به دست هم داده‌اند تا تغییری محسوس در مالکیت کرکوک و حاکمیت عالیه آن رخ ننماید. به نظر می‌رسد در حال حاضر مهم‌ترین و عملی‌ترین راهی که مقامات اقلیم برگزیده‌اند تعمیق آگاهی قومی در بین کردها، فعال نگه داشتن شکاف قومی و حفظ اکثریت (عددی) در کرکوک و حومه آن است تا به محض مهیا شدن شرایط، همه‌پرسی را به نفع خود رقم بزنند. این تلاش‌ها در محدوده اقلیم کردستان صورت می‌پذیرند، اما نکته این است که در خاورمیانه معمولاً حوادث و ترتیبات منطقه‌ای-بین‌المللی هستند که محاسبات محلی را به ثمر رسانده یا ناکام می‌گذارند. تصمیم و مهارت نخبگان کرد هم هنگامی اثربخش می‌شود که بتوانند منطق قدرت فرا منطقه‌ای، مسیر و ساز و کار آن را تشخیص دهند. آنها بارها در این تشخیص، راه خطا پیموده و همواره تحت تعقیب و تهدید زیسته‌اند. گفته می‌شود سیاست خارجی، ادامه سیاست داخلی است یعنی خواست کانون‌های قدرت در قالب سیاست ملی و بین‌المللی جاری می‌شود؛ اما گویی این اصل در خصوص کردهای عراق معکوس است و سازمان داخلی کردهای این کشور به طرز شگفت‌انگیزی تابع ملاحظات منطقه‌ای و ترتیبات جهانی است.

سه. موقعیت حقوقی

علاوه بر موقعیت اقتصادی-تجاری و نیز اراده و مهارت نخبگان سیاسی، سومین عاملی که برای فهم موقعیت حیاتی کرکوک قابل توجه است، جایگاه حقوقی-قانونی شهر کرکوک در نظام سیاسی عراق و قانون اساسی این کشور می‌باشد. از لحاظ موقعیت حقوقی، کرکوک وضعیت مبهمی دارد و به نظر می‌رسد عنصر قدرت، مهم‌ترین مؤلفه‌ای خواهد بود که ابهام موجود در قانون اساسی عراق (ماده ۱۴۰ قانون اساسی) را یکسره خواهد کرد (Gunter, 2005). همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، به لحاظ رفتار انتخاباتی و دشواری‌های مربوط به شکاف‌های قومی-مذهبی در عراق پس از صدام، کردها وزن تعیین‌کننده‌ای یافته‌اند. تعیین‌کنندگی آنها، معلول یکپارچگی کردها می‌باشد که بر خلاف عرب‌های شیعه-سنی و نیز بر خلاف ترکمن‌ها، هنوز دچار انشعاب و چندپارچگی نشده‌اند. به عبارت دیگر، در حالی که بخشی از عرب‌های شیعه به رهبری ایاد علاوی گرایش دارند و عده‌ای دیگر از شیعیان در ائتلاف قانون یا تشکیلات مقتدا صدر و مجلس اعلا پراکنده شده‌اند، ائتلاف کردها هنوز یکپارچه است و همین یکپارچگی جناح پیروز در انتخابات را ناگزیر می‌سازد که حتماً با کردها ائتلاف کند و آنها را در قدرت سیاسی شریک نماید.

کردها با استفاده از هژمونی امنیتی که طی سالیان پیش از سقوط صدام (۲۰۰۳-۱۹۹۱) به دست آورده بودند و نیز با بهره‌گیری از پشتیبانی آمریکا و قدرت‌های اروپایی (فرانسه و بریتانیا) موفق شدند در قانون اساسی موقت عراق ماده ۵۸ را تصویب کنند و در قانون اساسی دائم این کشور در سال ۲۰۰۵، ماده ۱۴۰ را بگنجانند. در ماده ۵۸ قانون اساسی موقت عراق، صریحاً به سیاست تعریب یا عربی‌سازی کرکوک پرداخته شده و بر ضرورت عادی‌سازی شرایط، پرداخت غرامت به اخراج‌شدگان و رعایت حقوق همه ساکنان این شهر تصریح گردیده است. در سال ۲۰۰۵ و هنگام تدوین قانون اساسی دائمی عراق، کردها با علم به این موقعیت استثنایی، اختلافات تاریخی بین خود را کنار نهاده و همه امکانات سیاسی-دیپلماتیک را بسیج کردند تا منابع نظامی-سیاسی خود را به ساختار و قدرت حقوقی تبدیل کنند. در همین فضا بود که ماده ۱۴۰ جایگزین ماده ۵۸ گردید. ماده ۱۴۰ قانون اساسی دائمی عراق، قوه مجریه را مکلف نموده تا اقدامات لازم برای عملیاتی کردن مفاد ماده ۵۸ قانون اساسی موقت عراق را انجام داده و به همین منظور سه اقدام مشخص زیر را در دستور کار قرار دهد (Bartu, 2010: 1329)؛

اول. عادی‌سازی شرایط به معنای خروج منطقه کرکوک از موقعیت اضطراری و بازگرداندن تمام اخراج‌شده‌ها و اعاده اموال و منازل آنان به نحوی که حقوق هیچ‌کسی نقض نشود. طبق این اصل، جمعیت کرکوک و هویت ساکنان آن انکار و دستکاری شده و یگانه راه عادی‌سازی شرایط عبارت است از شناسایی کلیه کسانی که به واسطه سیاست‌های یکسان‌سازانه بعثی‌ها، شغل و خانه و مزرعه خود را از دست داده‌اند.

دوم. سرشماری؛ طبق این اصل، دولت عراق موظف است نسبت به سرشماری دقیق ساکنان کرکوک مبادرت نماید تا تعداد دقیق جمعیت و نیز ترکیب قومی-مذهبی منطقه مشخص گردد. این سرشماری از آن رو اهمیت دارد که وزن سیاسی هر کدام از اقوام کرد، عرب و ترکمن و نیز مذاهب شیعه و سنی و حتی غیر مسلمان‌ها را مشخص می‌دارد. سرشماری جمعیت طبعاً متضمن حساسیت‌های زیادی است. به واسطه نبود سنت دموکراتیک، گروه‌های اقلیت هیچ تضمینی برای آینده خود نمی‌بینند و نگران انتقام‌گیری اکثریت و کشتار مخالفان سیاسی (Polity Cide) هستند.

سوم. همه‌پرسی؛ پس از عادی‌سازی شرایط و انجام سرشماری، دولت عراق طبق ماده ۱۴۰ قانون اساسی موظف به برگزاری همه‌پرسی است. موضوع همه‌پرسی و کم و کیف آن مشخص نشده اما گمان غالب این است که ساکنان کرکوک به گزینه الحاق به اقلیم کردستان، الحاق به بغداد یا انتخاب

سوم (از جمله معرفی کرکوک به عنوان منطقه‌ای ویژه یا بین‌المللی و یا چند فرهنگی) رأی خواهند داد (Hilterman, 2010: 15). در ماده ۱۴۰ تصریح شده که قوه مجریه حق ندارد این ماده را مسکوت بگذارد و مراحل سه‌گانه مصرح در این قانون باید حداکثر تا ابتدای سال ۲۰۰۸ اجرایی شود، اما این ماده تا کنون (۲۰۲۴) عملی نشده است. به نظر می‌رسد اجرای ماده ۱۴۰ دشواری‌های حقوقی، سیاسی و فرهنگی متعددی دارد که اهم آنها عبارت هستند از:

الف. ماده ۲۳ (انتخابات ویژه کرکوک)؛ ماده ۲۳ در سال ۲۰۰۷ یعنی دو سال پس از تدوین قانون اساسی دائمی عراق به تصویب پارلمان عراق رسید. این ماده با حمایت بلوک‌های غیر کردی یعنی اعراب سنی-شیعه و ترکمن‌ها طراحی و تصویب شده است. طبق مفاد این ماده، کرسی‌های شورای سیاسی استان کرکوک به عنوان مرجع عالی تصمیم‌گیری در امور منطقه، به صورت مساوی بین سه گروه عمده یعنی ترکمن‌ها، عرب‌ها و کردها تسهیم می‌شود و به طور مشخص هر کدام از سه گروه مزبور ۳۲ درصد کرسی‌های شورای سیاسی کرکوک را در اختیار می‌گیرند و چهار درصد بقیه به پیروان سایر ادیان و اقوام تعلق می‌گیرد. هنگام طرح و تصویب این ماده، نمایندگان کرد پارلمان عراق صحن را ترک کردند و ماده مزبور در غیاب کردها تصویب گردید.

ب. نارضایتی بغداد؛ دولت نوری مالکی به عنوان متصدی اصلی ماده ۱۴۰ این استدلال را مطرح می‌کند که برگزاری رفراندوم و فرضاً پیروزی بلوک کردها در رفراندوم می‌تواند سبب تنش و درگیری در این منطقه حیاتی شود. از این منظر، عرب‌های اسکان یافته در استان کرکوک به صورت ارادی به این کار مبادرت نکرده‌اند و برگزاری همه‌پرسی متضمن اخراج این دسته از جمعیت و بروز تنش‌های قومی-مذهبی و دینی است.

پ. تردید مقامات اقلیم؛ در پی خودنمایی نیروهای القاعده در کرکوک و انفجار چندین نقطه تجاری و اجتماعی کرکوک و نیز در پی اعتراض مقامات ترکیه نسبت به نقض حقوق ترکمن‌ها و سیطره سرزمینی کردها در جنوب این کشور (ترکیه)، مقامات سیاسی اقلیم کردستان فعلاً به این جمع‌بندی رسیده‌اند که برجسته ساختن بیش از اندازه موضوع همه‌پرسی می‌تواند سایر فرصت‌های پیش رو را از میان بردارد. امنیتی شدن مناسبات در کرکوک و اعزام متقابل نیرو (از سوی بغداد و اربیل) به کرکوک، عملاً باعث به بن‌بست رسیدن امور در بغداد می‌گردد و بازنده چنین مخاصمه‌ای هم عمدتاً کردها هستند و نه شیعیان.

ج. سیاست متفاوت آمریکا؛ نخبگان کردهای عراق، نیک واقف هستند که مهم‌ترین پشتیبان آنها در دوران صدام و پس از آن، آمریکا بوده است. آمریکایی‌ها نیز راضی به ظهور یک قدرت مستقل و تام‌الاختیار در شمال عراق نیستند و این سناریو را به زیان متحد دیرین خود یعنی ترکیه می‌شمارند. از این منظر آمریکایی‌ها حاضر و قادر نیستند با پشتیبانی بی‌حد و حصر کردها، جغرافیای خاورمیانه را دگرگون نمایند، زیرا نتیجه احتمالی چنین تغییراتی افزایش آمریکا ستیزی بین عرب‌ها، ترک‌ها و حتی ایرانیان خواهد بود. ضمن اینکه آمریکایی‌ها در مقطع فعلی قصد دارند با پشتیبانی اسلام میانه‌رو (وسط) در خاورمیانه از رشد آمریکا ستیزی و تروریسم جلوگیری به عمل آورند (Romano, 2010: 43). البته آمریکایی‌ها دیدگاه ایجابی خود را اعلام نکرده‌اند اما از اظهارات و اقدامات آمریکایی‌ها این گونه برمی‌آید که شهر کرکوک به صورت ویژه‌ای مدیریت شود و از الحاق قطعی و دائمی کرکوک به بغداد یا اربیل جلوگیری به عمل آید.

مواضع اعلامی و اعمالی آمریکا، البته در تعارض جدی با خواست کردها و حتی عرب‌های شیعه قرار دارد. مقامات اقلیم کردستان در قانون اساسی خود (مصوب پارلمان اقلیم در سال ۲۰۰۹) مرزهای اقلیم را به گونه‌ای ترسیم کرده‌اند که اکثر مناطق مورد اختلاف را در بر می‌گیرد. ماده دوم قانون اساسی اقلیم در قالب سه بند مهم، جغرافیای اقلیم را به این شرح به تصویب مردم رسانده است:

بند اول. کردستان عراق ناحیه‌ای جغرافیایی-تاریخی است که استان دهوک با مرزهای اداری کنونی و نیز استان‌های کرکوک، سلیمانیه، اربیل و شهرهای آکری، سنجار، تلکیف، قرقوش، زمار، بعیقه، آسکی کلک و یستحان در استان نینوا و همچنین شهرستان‌های مندلی و خانقین در استان دیاله را شامل می‌شود. ضمن اینکه نواحی مزبور با مرزهای اداری پیش از سال ۱۹۶۸ (قبل از به قدرت رسیدن بعثی‌ها) مد نظر می‌باشد.

بند دوم. مرزهای سیاسی اقلیم با توجه به اجرایی شدن ماده ۱۴۰ قانون فدرال مشخص خواهند شد. بند سوم. ایالت جدید در نواحی مرزی اقلیم کردستان نباید ایجاد شود. همان‌گونه که دیده می‌شود قانون اساسی اقلیم کردستان با نگاهی حداکثری تنظیم شده است. بنیاد نظری چنین نگاهی این است که نخبگان کرد طی سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۰۳ موفق نشده‌اند از اختلاف بین عرب‌های شیعه-سنی بهره‌برداری مناسبی به عمل آورند و واگذاری سرنوشت منطقه استراتژیکی به نام کرکوک به عهده ماده ۱۴۰ مشکل کردها را حل نکرده و به محض اقتدار یافتن بغداد، کردها مجبور هستند این منطقه حیاتی را واگذار کنند. گفتنی است نگاه عمده نخبگان کردی که در اقلیم به سر می‌برند و سر و کار اندکی با

پیچیدگی حاکم بر پارلمان عراق دارند، این گونه نیست. اظهارات مسعود بارزانی در اربیل با اظهارات جلال طالبانی در بغداد، تفاوت‌های محسوسی با هم دارند و این اختلاف ناشی از الزامات محیطی آن دو است. مسعود بارزانی بارها سخن از استقلال کامل کردستان گفته است. وی در جریان مصاحبه با شبکه بی.بی.سی در شب عید نوروز (سال ۲۰۱۰) بزرگ‌ترین آرزوی خود را «تأسیس کشور مستقل کردستان تا ده سال آینده ذکر کرد». بارزانی در جریان اختلاف شیعیان و عرب‌های سنی بر سر متواری شدن طارق الهاشمی، تصریح نمود که «کردها نمی‌توانند منتظر حل مشاجرات عرب‌های شیعه و سنی بمانند و در صورت ادامه این اختلاف، کردها راه استقلال خود را پی خواهند گرفت». این اظهارات آشکار در کنار علایق پنهان مقامات اقلیم نشان می‌دهد که خودمختاری احتمالاً گام اول برای حرکت به سمت استقلال است.

نباید فراموش کرد که قانون اساسی اقلیم کردستان عراق، چهار سال پس از قانون اساسی موقت (ماده ۵۸) و قانون اساسی دائم عراق (ماده ۱۴۰) تنظیم و تصویب شده است. لحن قانون اساسی موقت در قالب ماده ۵۸ با قانون اساسی اقلیم، همخوانی دارد. در ماده ۵۸ قانون اساسی موقت عراق تصریح شده بود که:

دولت انتقالی عراق به‌ویژه هیأت حل اختلافات ملکی و سایر طرف‌های مسئول باید در اسرع وقت برای رفع ظلمی که رژیم سابق در کردستان از طریق کوچ اجباری و تبعید ساکنان و مهاجرت اجباری آنها در داخل منطقه یا خارج از آن اعمال کرده‌اند، تلاش نماید و اقدامات زیر را به انجام رسانند:

الف. در مورد تبعیدشدگان یا مهاجران و یا کسانی که مالکیت آنها نسبت به اراضی و منازل‌شان سلب شده، دولت باید طی مرحله‌ای معقول آنها را به خانه و کاشانه خود بازگرداند و اگر این کار امکان‌پذیر نیست غرامتی عادلانه به آنها بپردازد.

ب. در خصوص افرادی که به اراضی و مناطق خاصی کوچانده شده‌اند، حکومت باید طبق ماده ۱۰ هیأت حل اختلاف ملکی رفتار کند تا امکان بازگشت آنها به وطن خود فراهم شود یا غرامت مناسبی از دولت دریافت دارند یا زمین‌های جدیدی در نزدیکی محل اقامتشان در استان به آنها واگذار گردد.

پ. در مورد افرادی که از کار برکنار شده و منبع درآمد خود را از دست داده‌اند، حکومت باید فرصت‌های شغلی جدیدی را در همان مناطق در اختیار آنها قرار دهد.

ت. در مورد تصحیح مسئله قومیت‌ها، حکومت باید تمام تصمیمات اتخاذ شده در این مورد را لغو و به افراد متضرر اجازه دهد هویت ملی و تعلق نژادی‌شان را بدون اکراه یا هر گونه فشاری ابراز کنند.

ج. رژیم سابق به خاطر اغراض سیاسی، مرزهای اداری را نیز بازیچه خود قرار داده بود. شورای ریاست جمهوری و دولت انتقالی عراق باید رفع این تغییرات ناعادلانه را به مجمع ملی توصیه کند، اگر ریاست جمهوری قادر نیست مجمع ملی را به این کار راضی نماید (به دلیل مخالفت عرب‌های سنی یا طرح خواسته‌ای مشابه از سوی شیعیان)، باید حکمی بی‌طرف تعیین شود و اگر باز هم نتوانست باید از دبیرکل سازمان ملل درخواست شود تا شخصیتی بین‌المللی و قابل اعتماد برای داوری در باب دستکاری نظام اداری از سوی رژیم سابق تعیین نماید.

چ. حل و فصل تکلیف نهایی اراضی مورد اختلاف از جمله کرکوک تا زمان تکمیل برنامه‌های فوق و برگزاری یک سرشماری شفاف و تا تأیید قانون اساسی دائمی به تعویق می‌افتد، در آن زمان باید طبق خواست ساکنان منطقه و بر مبنای اصولی عادلانه به این اختلافات رسیدگی شود.

مواد سه‌گانه ماده ۵۸ در سال ۲۰۰۵، در قالب اصل ۱۴۰ گنجانده شد و این ماده به رغم ماهیت مناقشه‌آمیزش، پیروزی حقوقی مهمی برای کردها محسوب می‌شود. در ماده ۱۴۰ قانون اساسی دائمی عراق تصریح گردید که اولاً قوه مجریه اقدامات لازم در جهت اتمام اجرایی شدن الزامات ماده ۵۸ در قانون اداری دولت انتقالی را در تمامی بندهای آن، عهده‌دار است. ثانیاً مسئولیت مندرج در ماده ۵۸ قانون اداری دولت انتقالی شامل سه مرحله عادی‌سازی، سرشماری و نهایتاً انجام همه‌پرسی در کرکوک و مناطق مورد اختلاف (۳)، باید تا آخر سال ۲۰۰۸ انجام گردد و قوه مجریه مرجع انجام این موضوع می‌باشد.

چهار. تعداد، ترکیب و کانون‌های تراکم جمعیت

جمعیت از آن جهت که منبع تأمین نیروی کار، حق رأی و نیروی رزمی است، از دیرباز منشأ قدرت ملی بوده است. واقعیت این است که منطقه پر جمعیت موفق می‌شود سربازان بیشتری را سازماندهی و تجهیز کند، نیروی کار بیشتری برای تولید و خدمات داشته و در یک فضای دموکراتیک تعداد رأی بیشتری در اختیار داشته باشد. با این وصف، تعداد جمعیت، رکن اصلی مثلث سرباز (به مثابه نیروی نظامی)، کارگر (به مثابه نیروی اقتصادی و تولید) و شهروند (به مثابه مؤلفه سیاسی تشکیل یک واحد سیاسی) به شمار می‌آید. چنین معادله‌ای در منطقه خاورمیانه - به‌ویژه در عراق - صحت قاطعی دارد. در این منطقه از جهان شکاف‌های فزاینده و هم‌افزایی وجود دارند و مجموعه‌ای از عوامل داخلی و فرا ملی مسائل داخلی را بین‌المللی کرده‌اند. در چنین شرایطی، در اختیار داشتن نیروی رزمی، کاری و رأی‌دهنده اهمیت فزاینده‌ای می‌یابد. عکس این معادله هم قرین صحت است؛ گروهی که کم تعداد

است طبعاً در تدارک نیروی دفاعی، تولیدی و رأی‌دهنده دچار مشکل می‌شود و ناگزیر است به‌عنوان اقلیت به استبداد اکثریت تن در دهد. باز هم تکرار می‌کنیم که این داستان در مناطق فاقد سنت دموکراتیک، تبعات امنیتی دارد یعنی هیچ منبع قانونی مشروعی وجود ندارد که حقوق اقلیت را تضمین و آنها را از خطر محرومیت و هضم شدن و حذف گردیدن، مصون بدارد (ورستر، ۱۳۸۴). بر اساس توضیح فوق، عراق در سال ۲۰۱۳ حدود ۳۲ میلیون نفر جمعیت داشته که در منطقه‌ای به مساحت ۴۳۸ هزار کیلومتر مربع پراکنده شده‌اند. بعضی از این مناطق مانند بغداد، جمعیت متراکمی دارند و حدود ۱۰۰۰ نفر در هر کیلومتر مربع آن سکنی گزیده‌اند و برخی مناطق دیگر مانند الانبار و نجف جمعیت کم‌تعدادی دارند و وضعیت آب و هوا و موقعیت جغرافیایی-اقتصادی، مانع تراکم جمعیت در آنها شده است. اما سه استان کردنشین یعنی سلیمانیه (با ۱۵/۷۵۶ کیلومتر مربع وسعت و ۱/۳۰۰/۰۰۰ جمعیت در سال ۲۰۱۳)، اربیل (با ۱۴/۴۷۱ کیلومتر مربع وسعت و بیش از یک میلیون نفر جمعیت در سال ۲۰۱۳) و دهوک (با ۶/۱۲۰ کیلومتر مربع وسعت و نیم میلیون جمعیت در سال ۲۰۱۳)، با وسعتی حدود ۳۶/۰۰۰ کیلومتر مربع، بالغ بر سه میلیون نفر را در خود جای داده‌اند و با احتساب تعداد کردهای ساکن در مناطق مورد اختلاف -از جمله کرکوک- تعداد جمعیت کردهای عراق در سال ۲۰۱۳ به حدود پنج میلیون نفر می‌رسد. قرار گرفتن کرکوک در خط تماس بین کردها و عرب‌ها و نیز ترکمن‌ها از یک سو و منابع عظیم نفت و گاز آن سبب شده‌اند سه بلوک عرب، کرد و ترکمن انگیزه فوق‌العاده‌ای در پیگیری سرنوشت کرکوک داشته باشند و خود همین تنش پنهان، موضوع تعداد و تراکم جمعیت را امنیتی ساخته است.

میشل گونتر در تحقیقی با عنوان «فدرالیسم و کردهای عراق؛ یک راه‌حل یا یک مسئله» (Jabar, 2006: 232) با اشاره به ترکیب جمعیت کرکوک، تأکید می‌نماید که «تنش تاریخی فزاینده‌ای بین جمعیت‌های تشکیل‌دهنده کرکوک وجود دارد. عرب‌ها، کردها را مزدور بیگانگان می‌شمارند، کردها نیز عرب‌ها را شوونیست می‌نامند و کرکوک را اورشلیم کردها به حساب می‌آورند. پرسش کردها این است که چرا ترکیه برای ترک‌های قبرس و ایران برای اعراب فلسطینی در پی تدارک سرزمین هستند و چنین حقی را از کردها دریغ می‌دارند (Ibid). «با مسلح شدن کردها به سلاح‌های پیشرفته و نیز گسیل کردهای مقیم خارج از عراق به کرکوک، تناسب جمعیت را به نفع کردها رقم می‌زند و چنین تنش‌هایی در کنار معضلات ناشی از فقر اقتصادی، تبعیض سیاسی و بلا تکلیفی حقوقی بر دامنه و عمق تنش موجود می‌افزاید. بدیهی است که مقامات اقلیم کردستان در پی اسکان دادن کردهای رانده شده در کرکوک

هستند تا از این رهگذر با اکثریتی قاطع همه‌پرسی وعده داده شده در ماده ۱۴۰ قانون اساسی عراق را یکسره کنند و به تمام تردیدها درباره ترکیب جمعیت کرکوک خاتمه دهند. مهم‌ترین مانع مقامات اقلیم در تعقیب و چرایی این پروژه، برداشت‌های متفاوت ساکنان غیر کرد در شهر کرکوک است. در مقابل موقعیت هژمون و دست بالای کردها در مهندسی آینده کرکوک، ترکمن‌ها همچون مقامات ترکیه بر آن‌اند که «کرکوک همواره بخشی از ولایت موصل عثمانی بوده و طبق سرشماری سال ۱۹۵۷، ترکمن‌ها با ۳۹/۸ درصد جمعیت در مقایسه با کردها (۳۵/۱ درصد) و عرب‌ها (۲۳/۸٪ جمعیت کل شهر کرکوک)، پر تعدادترین گروه در شهر کرکوک بودند. اما این وضع در حومه شهر کرکوک متفاوت بوده، چون در خارج از شهر کرکوک (استان کرکوک)، کردها با ۵۵ درصد مقام اول را داشته‌اند و پس از آن عرب‌ها (۳۰/۸ درصد) و ترکمن‌ها (با ۱۴/۲ درصد) به ترتیب دومین و سومین گروه پر تعداد بوده‌اند». گونتر در ادامه می‌افزاید که «ترکیب فوق، حدود بیست سال بعد یعنی در اوان به قدرت رسیدن بعثی‌ها، اندکی به نفع اعراب تغییر کرد، یعنی در پی افزایش معارضة بین کردها و حکومت مرکزی بغداد، تعداد عرب‌های استان کرکوک از ۳۰/۸ درصد به ۴۴/۴۱ درصد کل جمعیت افزایش یافت، تعداد ترکمن‌ها نیز از ۱۴/۲ به ۱۶/۳۱ درصد رسید، اما تعداد کردهای استان کرکوک از ۵۵ درصد به ۳۷/۵۳ درصد کاهش یافت» (Gunter, 2005: 23).

علاوه بر کمیت جمعیت، باید به کیفیت جمعیت و دگرگونی در ساخت نسلی، آگاهی قومی و فراگیر شدن رفتار دموکراتیک هم اشاره نمود. هنری بارکی (H.Barkey) و الن لایپسون (E.Laipson) در پژوهشی با عنوان «کردها و آینده عراق» (Barkey, 2005: 66)، پس از توضیح نقش کردها در تدوین قانون اساسی عراق، به شرح نگرش کردها به عرب‌های شیعه و سنی پرداخته و تصریح می‌کند که در پی حوادث هولناک گذشته، شاهد وقوع فرهنگ جدیدی بین کردهای شمال عراق هستیم که طبق آن جوانان کرد دیدگاه مثبتی به عرب‌ها ندارند، یک میلیون جوان کرد در کردستان و حتی در بغداد اکراه دارند که به عربی مکالمه کنند، به سلفی‌گری شیعی و سنی شدیداً بی‌علاقه هستند، شمال عراق را پناهگاه همه کردها می‌دانند و به واسطه یک تحول نسلی و در قالب ساز و کار دموکراتیک می‌کوشند به ابراز هویت و مرزکشی مدنی خود با دیگران بپردازند. موضوع تحول نسلی در فرایند جامعه‌شناسی سیاسی جدید -مانند حرکت‌های قومی- اهمیت چشمگیری دارد. نسل جدیدی که علایق قومی دارد به واسطه آشنایی با روندهای بین‌المللی، تسلط به فناوری‌های مجازی و شبکه‌های اجتماعی و نیز دلبستگی اندک به گذشته و اشتیاق به تغییر وضع وجود، مؤلفه جدیدی است که تجلی آن را می‌توان

در هویت‌خواهی جوانان کرد و بعضاً اتخاذ مشی رادیکال مشاهده گردد. علاوه بر آن، نسل جدید عمدتاً باسواد هستند، از مهاجرت به مناطق دیگر و تغییر پیشه پدری خود ابایی ندارند و به راحتی از امکانات بین‌المللی برای بیان مطالبات خود بهره می‌گیرند (Aziz Sardar, 2023: 11). این روند با گرایش‌های نسل پیشین تفاوت‌های چشمگیری دارد. نسل پیشین کردها عمدتاً با روندهای فرا ناحیه‌ای ناآشنا بودند، به کشاورزی، دامداری و تجارت محلی اشتغال داشتند، با شبکه اجتماعی، هوش مصنوعی و انواع مهارت‌های جاری در فضای مجازی مانند کمپین‌سازی، گفتمان‌سازی، ایجاد ترند و هشتگ‌سازی سراسری بیگانه بودند، سواد اندک‌شان عموماً در حوزه علوم دینی بود، به نهادهای بین‌المللی دسترسی نداشتند و به طور کلی در بافتاری محلی-عشیره‌ای به قبول وضع حاکم تن داده بودند.

پنج. تعداد کشورهای دخیل و سطح توافق-تعارض منافع آنها

تأمل در دلایل تطویل بحران‌های منطقه خاورمیانه نشان می‌دهد که دخیل بودن قدرت‌های متعدد و متعارض در یک بحران، سبب تطویل آن بحران می‌شود (سریع‌القلم، ۱۳۶۹). تداوم بحران در افغانستان، لبنان، عراق، سوریه و فلسطین مؤید این قاعده اساسی است که حل و فصل یک منازعه هنگامی قرین سرعت و سهولت است که اولاً تعداد قدرت‌های ذی نقش در آن منازعه محدود و قلیل باشد و ثانیاً در صورت ذی‌نفع بودن قدرت‌های متعدد در آن منازعه، سطح تعارض منافع آنها حیاتی نباشد یا حیاتی تلقی (Perception) نشود.

بر این اساس، نگاهی به تحولات کرکوک طی دهه اخیر (۲۰۱۳-۲۰۰۳) نشان می‌دهد که معادلات این منطقه به شدت متأثر از تحولات اقلیم کردستان است و حساسیت قدرت‌های منطقه‌ای به تحولات کردستان، به طور خودکار به موضوع کرکوک نیز منتقل می‌شود. نگاهی به آرایش قدرت‌های مؤثر در وضعیت فعلی و آینده اقلیم کردستان نشان می‌دهد که نیروهای متعددی در سرنوشت کردستان دخیل هستند و سطح تعارض بین مواضع کشورهای مزبور نیز چشمگیر است. درجه تعارض بین قدرت‌های دخیل تا حد زیادی ناشی از ارزش استراتژیک اقلیم کردستان و به‌ویژه منطقه کرکوک است. واقعیت این است که کرکوک به لحاظ ژئواکونومی، هویتی و سیاسی واجد اهمیت سرشاری است و تحول در معادلات آن، عوارض شدید منطقه‌ای دارد. در چنین فضایی قدرت‌های دخیل در ماجرای اقلیم کردستان و کرکوک را می‌توان به سه دسته زیر تقسیم نمود:

الف. هواداران کردستان بزرگ

مقصود از کردستان بزرگ، سرزمینی به مساحت تقریبی ۵۰ هزار کیلومتر مربع (۳۵ هزار کیلومتر مربع اقلیم کردستان به اضافه مناطق مورد اختلاف که مساحتی حدود ۱۵ هزار کیلومتر مربع دارد) می‌باشد که به خاطر منابع طبیعی حیاتی (نفت، گاز و آب) و همسایگی با قدرت‌های مهمی چون ایران، ترکیه، سوریه و عراق واجد اهمیت استراتژیک است. قدرت‌هایی نظیر اسرائیل و تا حدودی فرانسه و بریتانیا هوادار این سناریو هستند. اسرائیلی‌ها از جهات متعددی کردها را شبیه یهودی‌ها می‌بینند؛ کردها و یهودی‌ها مدت‌های مدیدی طرد و تحقیر شده‌اند، هر دو از سوی قدرت‌های رقیب در محاصره بوده‌اند، پراکندگی در مناطق مختلف جهان یا شهروندی دیاسپورا سرنوشت مشترک هر دو بوده و بالاخره اینکه هم یهودی‌ها و هم کردها استعداد عجیبی برای صیانت هویت خود داشته‌اند. این قبیل اشتراکات تاریخی-تئوریک، البته با عوامل عینی دیگری تقویت می‌شوند. در صورت تشکیل کشوری به نام جمهوری دموکراتیک کردستان به مرکزیت کرکوک یا اربیل، اسرائیلی‌ها عمق استراتژیک فوق‌العاده‌ای می‌یابند و تا حدی از محاصره عرب‌ها رها می‌شوند، همچنین تشکیل مجموعه‌ای سیاسی تحت عنوان کردستان، متضمن تضعیف قدرت‌های رقیب اسرائیل هم هست. به عبارت دیگر، اگر کرکوک به قانونی مغناطیسی برای جذب انرژی کردهای منطقه بدل شود، کشورهای نظیر ایران، سوریه، ترکیه و حتی عراق خود به خود تضعیف می‌شوند، برای اینکه اسرائیل موفق می‌شود ما به ازای حزب‌الله را در جنوب لبنان در مرزهای غربی ایران بر پا کند. در کنار دو عامل فوق (رهایی اسرائیل از محاصره عرب‌ها و آسیب‌پذیر ساختن تمامیت ارضی ایران و ترکیه و سوریه)، باید به جاذبه‌های اقتصادی، انرژی، هیدروپلیتیک و سیاسی اقلیم کردستان برای اسرائیل هم توجه داشت. اکنون که در خزان عربی حرکت‌های اسلامی در جوار اسرائیل بیدار شده‌اند، اسرائیل شدیداً به نفس-گاهی (Lifeline) نیازمند است تا بتواند موازنه‌های جدید را خنثی نماید و اقلیم کردستان در این چارچوب، قابلیت‌های مناسبی دارد. پس از سقوط حکومت مبارک در مصر، صادرات گاز به اسرائیل قطع و خط لوله انتقال گاز مصر به اسرائیل، ده‌ها بار منفجر گردیده است. اسرائیلی‌ها برای تأمین نیازهای فزاینده خود به نفت و گاز قراردادهایی با جمهوری آذربایجان و قزاقستان منعقد کرده‌اند که نیازهای انرژی اسرائیل را از طریق خط لوله باکو، جیجان تأمین می‌کنند. بدیهی است که در صورت استقلال کردستان و تبدیل شدن آن به منبع صدور انرژی (شامل نفت، گاز و آب) یک مبادله برد-برد شکل می‌گیرد (سوران عمر، ۱۳۹۰: ۱۳۰).

ب. مخالفان کردستان بزرگ

اگر هواداران تأسیس کردستان بزرگ از دوردست به تغییر مرزهای کنونی منطقه علاقه‌مند هستند، مخالفان تأسیس کردستان بزرگ مناطق کردنشین عراق را در محاصره خود دارند، با زیر و بم منطقه آشنایی کامل دارند و هر گونه بُرد کردها را باخت خود به شمار می‌آورند. ترکیه در رأس مخالفان کردستان بزرگ قرار دارد. این کشور تحقق سناریوی کردستان بزرگ را موجد خیزش کردهای پر تعداد ترکیه (حدود ۱۵ میلیون نفر در هشت استان جنوبی و شرقی) و ناامن شدن بیشتر منطقه می‌شمارد. به عقیده ترک‌ها، اقلیم کردستان عمق استراتژیک چریک‌های پ.ک.ک است و چریک‌های پیرو اوجلان پس از حمله به مواضع ارتش ترکیه در نواحی کردنشین عراق پناه داده می‌شوند. ترکیه برای مقابله با ایده کردستان بزرگ، سیاست‌های گوناگونی در پیش گرفته است؛ حمله نظامی به مواضع پ.ک.ک از یک سو و اعطای مشوق‌های اقتصادی و تجاری به کردهای عراق از جمله این تدبیرها بوده است. نباید فراموش کرد که ترکیه دروازه اقتصادی کردها به اتحادیه اروپا محسوب می‌شود. در حال حاضر (۲۰۱۳) بیش از ۲۰/۰۰۰ نفر از مهندسان، متخصصان و تجار ترک در اقلیم کردستان فعالیت دارند و مبادله دو طرف در سال ۲۰۱۲ به بیش از ۹ میلیارد دلار رسید. حجم و ارزش مبادله اقلیم ترکیه بیش از مصر (سالانه هشت میلیارد دلار) و ایران (۴/۵ میلیارد دلار با کل عراق) بوده است (Aziz, 2011). ترکیه در کنار این قبیل مبادلات سودآور، در مقابل تحولات کرکوک موضع مخالف داشته است. تلاش ترکیه برای مقابله با الحاق کرکوک به اقلیم کردستان، تحت لوای حمایت از ترکمن‌های این شهر صورت می‌گیرد. ترکمن‌ها به واسطه حمایت ترکیه و نیز نقش تعیین‌کننده این کشور در مجامع بین‌المللی، موفق شده‌اند ماده ۲۳ را در پارلمان عراق به تصویب برسانند. طبق این ماده، که در سال ۲۰۰۸ و در غیاب نمایندگان کرد پارلمان عراق تصویب شد، کردها، عرب‌ها و ترکمن‌ها هر کدام ۳۲ درصد از کرسی‌های شورای سیاسی کرکوک را عهده‌دار شدند. علاوه بر ترکیه، ایران و سوریه، بغداد هم مخالف تشکیل دولتی کردی در شمال عراق هستند. هر سه کشور، تمامیت ارضی و امنیت ملی خود را در قبال تشکیل کشور مستقل کردی در معرض خطر می‌بینند. ایران همواره یکی از قدرت‌های نافذ در سرنوشت کردها بوده است. با توافق محمدرضا پهلوی و صدام حسین در سال ۱۹۷۵ بود که عراق از پشتیبانی گروه‌های تجزیه‌طلب عربی در خوزستان ایران منصرف شد و ایران از حمایت کردها علیه بغداد خودداری کرد (قرارداد معروف الجزایر در سال ۱۹۷۵). کردهای شمال عراق در خلال جنگ تحمیلی عراق علیه ایران همکاری مناسبی با ایران داشتند و عمده تحرکات قرارگاه رمضان با همکاری کردهای عراق علیه

نیروهای عراقی صورت می گرفت. پس از جنگ ۱۹۹۱ هم که آمریکایی‌ها صدام را وادار به عقب‌نشینی از کویت کردند، ایران پناهگاه ۱/۵ میلیون کرد عراقی بود که با حملات شیمیایی، هوایی و زمینی صدام مواجه بودند. از سال ۱۹۹۵ که بارزانی به همراه صدام حسین علیه جلال طالبانی می‌جنگید، ایران به همکاری با اتحادیه میهنی پرداخت و با حمایت گسترده ایران، مسعود بارزانی از اربیل عقب‌نشینی کرد. پس از جنگ ۲۰۰۳ نیز ایران از جمله معدود قدرت‌هایی بوده که هم با نیروهای شیعه و هم با کردهای عراق که جمعاً ۸۰ درصد جمعیت و کرسی‌های پارلمان عراق را در اختیار دارند، مراوده مناسبی داشته است. به گفته جعفر ابراهیم، از مسئولان بلندپایه حزب دموکرات کردستان عراق و مسئول کمیته انتخابات این حزب، «در گذشته ضرب‌المثلی وجود داشت می‌گفتند اگر دو ماهی در دریا جنگ کنند، دست انگلیس در کار است. ما می‌گوییم اگر دو گربه در عراق جنگ کنند ایران می‌تواند آنها را آشتی دهد. ایران می‌تواند، چون قدرت اخلاقی، معنوی، آیینی و مذهبی دارد (جعفر ابراهیم، ۱۳۹۰: ۳۳).

پ. هواداران وضعیت ویژه و کرکوک به مثابه شهری چند فرهنگی

دسته سوم از کشورهای مؤثر و دخیل در ماجرای کرکوک، نه می‌توانند الحاق کرکوک به کردستان را بپذیرند و نه اعاده آن به بغداد را عملی و مطلوب می‌شمارند. در این سناریو، که اصلی‌ترین هوادار آن آمریکا هست، در هر نقطه‌ای که فاقد حاکمیت قاهره است، تروریسم شکل می‌گیرد و یکی از کانون‌های مستعد برای چنین وضعیت خطرناکی، کرکوک می‌باشد (Romano, 2007: 265). منافع آمریکا ایجاب می‌کند که عراق به حیاط خلوت ایران بدل نشود، اما بافت کلان و غیر قابل تغییر عراق ایجاب می‌کند که ایران نافذترین بازیگر در معادله عراق باشد. از این رو آمریکا یک سیاست کلی و صرفاً سلبی در قبال کرکوک اتخاذ کرده است. ایالات متحده هم از اجرایی شدن اصل ۱۴۰ قانون اساسی عراق حمایت کرده، ماده‌ای که متضمن محکومیت نسل‌کشی و باز پس دادن املاک، منازل و مزارع کردهایی است که در قالب سیاست تعریب مصادره شده‌اند و هم با طرد اعراب ساکن کرکوک که در دوره بعثی‌ها به کرکوک کوچ کرده‌اند، مخالفت نموده است. این سیاست متعارض آمریکا عملاً منجر به بی‌تصمیمی سیاسی شده و سبب تطویل اوضاع مبهم در کرکوک گردیده است. این سیاست آمریکا به دلیل ظرفیت منفی خود مانع عملی شدن سیاست سایر کشورها است. آمریکا بزرگ‌ترین قدرتی است که کردهای اقلیم حیات آزاد خود را مدیون آن هستند. به رغم این ظرفیت بی‌بدیل، آمریکایی‌ها در حوزه ایجابی سیاست روشنی در کرکوک ندارند. مقامات آمریکا احتمالاً معتقد هستند که از دل این بلاتکلیفی، خلاقیتی پدید خواهد آمد (سیاست عدم تصمیم یا هرج و مرج خلّاق) که رضایت طرف‌های درگیر را

تأمین خواهد کرد. مخاطرات ناشی از یک جانبه‌گرایی این کشور در دوران جرج واکر بوش، سبب احتیاط بیشتر جانشینان او شده است. اشتباه محاسبه آمریکا در ماجرای کرکوک می‌تواند لطمات جبران‌ناپذیری به سرمایه اجتماعی آن در این منطقه حیاتی وارد آورد (International Crisis Group, March 2011: 5).

شش. پیشینه هویت‌خواهی

پیشینه و مداومت در کوشش دسته جمعی، اهمیت مادی و فکری دارد. تلاش دراز آهنگ، متضمن فرهنگ‌سازی و نیز تأسیس نهادهای حکمرانی است. بر اساس این شاخص، هر سه گروه دخیل در معادله کرکوک پیشینه‌ای قابل توجه دارند. کوشش سازمان یافته کردها در این مناطق به سال ۱۹۴۶ یعنی تأسیس حزب دموکرات به دست ملامصطفی بارزانی می‌رسد که در اوایل دهه ۱۹۷۰ به موفقیت‌هایی هم در زمینه خودمختاری در مناطق کردنشین شمال عراق منتهی شد که در سال ۱۹۷۵ (قرارداد الجزایر) به پایان رسید. با صعود صدام به رأس حزب بعث در سال ۱۹۷۹، تلاش‌های هویت‌خواهانه کردها به محاق رفت و این روند به مدت ۱۲ سال ادامه یافت. در سال ۱۹۹۱ که صدام تسلیم آمریکا شد، منطقه پرواز ممنوع در شمال عراق یعنی در مناطق کردنشین برقرار و کردها به صورت قابل ملاحظه‌ای خودمختار شدند. این روند در سال ۲۰۰۳ که صدام سرنگون گشت به کمال رسید و دوران تازه‌ای در حیات مستقل کردهای عراق آغاز گردید که ملی شدن زبان کردی، تخصیص ۱۷ درصد درآمد نفتی به کردهای سه استان شمالی و رسمیت یافتن ساخت فدرالی، از مصادیق آن بودند. تا سال ۲۰۱۴ که داعش به عراق حمله کرد اقلیم کردستان به اوج رونق رسید. پس از حمله داعش به عراق، شرایط عراق (به‌خصوص در صفحات شمالی کشور) بحرانی شد. در خلال بیرون‌رانی داعش از عراق، نیروهای پیشمرگه با استفاده از مشغولیت ارتش عراق با داعش، بخش اعظم مناطق مورد مناقشه (از جمله کرکوک) را تصرف کردند (Morris, 2015: 9). در چنین شرایطی که نیروهای اقلیم به‌خصوص هواداران بارزانی بر میدان مسلط بودند، رفراندوم معروف اقلیم کردستان در سپتامبر ۲۰۱۷، با اعلام و اصرار ویژه مسعود بارزانی برگزار و متعاقب آن دوران تازه‌ای از انزوا و رکود در حیات اقلیم کردستان آغاز شد. در پی همین رفراندوم، نیروهای عراقی (به‌ویژه حشدالشعبی) با همراهی تلویحی حزب اتحادیه میهنی کردستان، کرکوک را از پیشمرگه‌های هوادار حزب دموکرات پس گرفتند. در پی این شکست بزرگ، بارزانی پس از ۱۲ سال ریاست بر اقلیم کردستان، از سمت خود استعفا داد و جای خود را به نچیروان بارزانی، رئیس‌جمهور کنونی اقلیم سپرد. در دوره ریاست نچیروان بارزانی بر اقلیم،

کرکوک از کنترل اقلیم خارج بوده و تحت سیطره ارتش عراق و نیروهای اتحادیه میهنی است. همان گونه که دیده می‌شود ماجرای کرکوک و سیطره بر آن در کانون تحرکات کردها بوده است.

ترکمن‌ها هم در تلاش هستند در عصر پسا صدام حذف و تار و مار نشوند. آنها تاریخ حضور خود در کرکوک را از سال ۶۵۰ قبل از میلاد به بعد معرفی کرده، معتقد هستند ترکمن‌ها از اعصار کهن ساکن کرکوک بوده، در مرکز این شهر سکنی گزیدند. به زعم ترکمن‌ها، کرکوک همواره بخشی از امپراطوری عثمانی‌ها بوده و حضور عرب‌ها و ایرانی‌ها در این شهر بسیار محدود و موقت بوده است (Hadi, 19: 2023). اما کردها، ترکمن‌ها را صرفاً مجریان و سربازانی می‌دانند که طی قرن نوزدهم و همزمان با سیطره امپراطوری عثمانی بر موصل، وارد کرکوک شده‌اند. از نگاه کردها، در زمان سیطره عثمانی‌ها مرزکشی واضحی بین مناطق و اقوام وجود نداشت. فقط در پی جنگ اول جهانی و الغای خلافت عثمانی بود که ملی‌گرایی به گفتمانی مسلط بدل شد و تمایزهای قومی به اصلی مقدس در ترسیم مرزها تبدیل گردید. در پی خاتمه جنگ اول جهانی، که امپراطوری عثمانی شکست خورد، نیروهای بریتانیایی ولایت نفت خیز موصل را تصرف کردند و منطقه کرکوک که یکی از مناطق حومه موصل بود تحت سیطره بریتانیا قرار گرفت. اما سیطره بریتانیا دیری نپایید چون در پیمان سور تصریح گردید که کردهای ساکن ولایت موصل می‌توانند در صورت تمایل و در آینده به کردستانی مستقل ملحق شوند. در سال ۱۹۲۳ پارلمان جمهوری تازه تأسیس ترکیه، عهدنامه سور را تصویب نکرد و به جای آن پیمان لوزان به رسمیت شناخته شد. مهم‌ترین نکته پیمان لوزان که با مسئله مقاله حاضر مرتبط است تأسیس کشور عراق -تحت‌الحمايه بریتانیا- بدون حق ویژه کردها برای خودمختاری بود. در سال ۱۹۳۲ و پس از آن در سال ۱۹۴۳ کردهای بارزانی به رهبری ملامصطفی بارزانی، اعتراض آشکار کردها به نادیده گرفته شدن حق خودمختاری کردها رخ می‌دهد و بلافاصله پس از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۶، نخستین کنگره حزب دموکرات کردستان در مهاباد ایران تشکیل می‌شود. بیست سال پس از حزب دموکرات، در سال ۱۹۷۵ نیز جلال طالبانی که خود یکی از سران حزب دموکرات کردستان بود، تأسیس اتحادیه میهنی کردستان را اعلام می‌کند و به همراه مسعود بارزانی (که از سال ۱۹۷۹ در پی درگذشت پدرش رهبر حزب دموکرات شد)، اعاده خودمختاری کردها به صورت سازمان یافته‌ای پیگیری می‌شود.

واقعیه‌ای که در مبحث پیشینه هویت‌خواهی کردها اهمیت ویژه‌ای دارد سرکوب سازمان یافته و فی‌الواقع نسل‌کشی تعمدی و گسترده کردها از سوی صدام حسین در سال ۱۹۸۸ میلادی است. همان گونه که گذشت، در واپسین روزهای جنگ تحمیلی عراق علیه ایران عملیات موسوم به انفال از صفحات جنوبی

کردستان به سمت شمال آن آغاز شد. کردهای عراق بلافاصله در تله نیروهای صدام و ترکیه گرفتار شده، مسیر ایران را در پیش گرفتند. در خلال یک هفته جنگ تمام عیار زمینی-هوایی که بعضاً با بمباران شیمیایی نیز همراه بود، بیش از ۱/۵ میلیون کرد به ایران پناهنده شدند. ایران که در این ایام اوضاع اقتصادی مساعدی هم نداشت، میزبانی تعداد کثیری از کردهای بی‌پناه را عهده‌دار شد و سرمایه اجتماعی مناسبی در مجامع حقوق بشری کسب نمود، در حالی که ترک‌ها از بیم همکاری کردهای عراقی با اعضای پ.ک.ک، مرزهای خود را به روی پناهندگان کرد بسته بود. ایران مرزهای خود را گشود و تصویر و فیلم‌های این جنایت هولناک را به اقصی نقاط عالم مخابره نمود. به گفته کریم ییلدیز (K.yildiz, 2004: 66)، در تابستان ۱۹۸۸ نیروی عراقی وارد کردستان شدند و طی جنگ‌های خونین، بیش از ۳۰۰۰ روستا را نابود و ۱۸۰ هزار نفر را کشتند. نسل‌کشی کردها به دست صدام حسین به همین موارد ختم نشد؛ نیروهای بعثی تأسیسات راهبردی کردستان را نابود کردند، افراد مؤثر و شاخص کردها را ربوده و سپس اعدام کردند، از سرنوشت بیش از ۱۰/۰۰۰ نفر از مردان کرد ابداً خبری نیامد و طبق برآوردهای اولیه، بیش از ۱/۵ میلیون نفر از کردها، تبعید یا جا به جا شدند. یکی دیگر از وقایع تأثیرگذار در پیشینه مبارزاتی کردها، حمله شیمیایی بعثی‌ها به شهر حلبچه (۱۶ مارس ۱۹۸۸) بود که به مرگ بیش از ۵/۰۰۰ غیر نظامی انجامید. در یک جمع‌بندی کلی، رهاوردها مبارزه طولانی مدت کردها و تأثیر آن بر معادلات حاکم بر شهر کرکوک را می‌توان این گونه بر شمرد؛ اولاً پیشینه دراز آهنگ کردها برای خودمختاری و استقلال، سبب تربیت تعداد کثیری نخبه سیاسی مصمم و آگاه به منطق قدرت گردیده است. این نیروها را می‌توان سرمایه سیاسی کردها برای روزهای سخت آینده قلمداد کرد. ثانیاً نفس مداومت مبارزه، مشروعیت‌آور است و تداوم مبارزه برای هویت‌خواهی و خود ابرازی، نسل‌های بعدی رهبران را وادار می‌کند تا به جای مصالحه و انفعال، به مبارزه و ابتکار عمل بپردازند (Gunter, 2006: 3). ثالثاً در پناه روند طولانی مدت کوشش سیاسی و رزم در شرایط سخت، کردها و رهبران‌شان یاد گرفته‌اند که دست نشانده شدن، اعتماد به بیگانگان و نیز رویارویی با رقبای داخلی، هیچ کمکی به تحقق آرمان کردها نمی‌نماید و مهم‌ترین راه رهایی کردها، راهبرد گام به گام و با همراهی قدرت‌های منطقه‌ای است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۸۳).

آینده کرکوک

با فرض اینکه کرکوک منطقه‌ای حیاتی در خاورمیانه به‌ویژه در منطقه هلال خصیب یا سرزمین هلالی شکل حاصلخیز است و مجموعه از معادلات ژئواکونومیک و استراتژیک، حل و فصل اختلاف بر سر

حاکمیت بر آن را دشوار ساخته، پرسش اساسی این است که با همه این اعتبار و پیچیدگی‌ها، آیا کرکوک در آینده بخشی از اقلیم کردستان خواهد بود یا یکی از استان‌های تابع بغداد باقی خواهد ماند یا اینکه سناریوی دیگر نظیر معرفی کرکوک به‌عنوان شهر بین‌المللی چند فرهنگی، در انتظار آن است؟ ارائه پاسخ قاطع و بلاشرط در این خصوص دشوار است، اما برای درک آینده این منطقه بر ماجرایی می‌توان گفت کدام یک از سناریوها قابلیت اندکی برای محقق شدن دارد و کدام یک از آنها از اقبال و استعداد بیشتری برخوردار است.

آینده کرکوک: سناریوهای پنج‌گانه

الحاق کرکوک به اقلیم کردستان عراق، معرفی کرکوک به‌عنوان ایالتی مستقل مانند اقلیم کردستان، الحاق کرکوک به حکومت مرکزی عراق، بازگشت به مرزهای اداری پیش از ۱۹۶۸ (قبل از حکومت بعثی‌ها) و کرکوک به مثابه شهری چند فرهنگی با موقعیت ویژه (Larry Hanauer, Laurel E. Miller, 2012) پنج سناریوی احتمالی هستند که امکان وقوع دارند. اما همان گونه که در سراسر مقاله استدلال کرده‌ایم، امکان تحقق سناریوی سوم یعنی تثبیت سیطره عراق بر کرکوک، محتمل‌ترین سناریویی است که حاوی پیشران‌های قابل توجه و استواری است. با تأمل در سناریوهای پنج‌گانه می‌توان دریافت که تحقق پاره‌ای از سناریوها نه تنها گره‌ای از این مشکل نمی‌گشاید که کلاف پیچیده کرکوک را پیچیده‌تر هم می‌سازد؛ به‌عنوان مثال اعلام کرکوک به‌عنوان شهری ویژه ممکن است به تقاضاهای جدیدی دامن بزند و تنش‌های تازه‌تری را فعال نماید. همچنین الحاق کرکوک به اقلیم کردستان نیازمند جلب رضایت نیروهای پرشماری در داخل و خارج عراق است. با توجه به این پیچیدگی‌ها، در خصوص آینده سیاسی کرکوک می‌توان گزاره‌های زیر را به‌عنوان نتیجه‌گیری موقتی مد نظر قرار داد؛

اولاً سناریوی معین، با زمان آغاز واضحی برای آینده کرکوک وجود ندارد. فقط می‌توان گفت که نیروهای مقوم یک سناریو در حال قوت گرفتن هستند یا نیروهای مدافع سناریوی دیگر در حال افول هستند یا از اقبال کمتری برخوردارند. بر این اساس، مؤثرترین عنصر در تعیین آینده سیاسی کرکوک، قدرت بازدارندگی طرفین است. بر این اساس است که در حال حاضر و در میان مدت، همسو با افول قدرت بلوک استقلال‌خواه در اربیل از یک سو و قدرت‌گیری بغداد در عرصه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای از سوی دیگر، از قدرت چانه‌زنی اقلیم کردستان کاسته شده، کرکوک به‌عنوان یکی از استان‌های عراق مطرح و لحاظ خواهد شد.

ثانیاً به نظر می‌رسد از فردای تصویب قانون اساسی دائمی عراق (۲۰۰۵) و همسو با بهبود زیرساخت‌های توسعه و امنیت در بغداد و اقلیم کردستان، از شدت مشروعیت کردها برای الحاق کرکوک به اقلیم کاسته و بر تحرک نیروهای مخالف الحاق کرکوک به اقلیم (مانند ترکمن‌ها و عرب‌ها) افزوده می‌شود که پیروزی ایاد علاوی در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۰ و نیز تعویق اجرای اصل ۱۴۰ و ارائه طرح جدید (بازگشت به مرزهای اداری قبل از ۱۹۶۸) از سوی جلال طالبانی از قرائن این تحول به شمار می‌روند.

ثالثاً به نظر می‌رسد در شمال عراق، شکاف فعال بین جمعیت، شکاف قومی است و سایر شکاف‌های دینی، مذهبی و اقتصادی تحت‌الشعاع آن قرار دارند. اما این معادله در مرکز و جنوب عراق صائب نیست و شکاف مذهبی فعال‌ترین شکاف این صفحات به شمار می‌آید. بر این اساس، بغداد بر سر دو راهی بسیار خطیری قرار دارد: قبول فدرالیسم و تأسیس کشور مرفه شیعی در جنوب از یک سو یا تلاش برای اعاده سیطره بغداد و جلوگیری از رشد حرکت‌های تروریستی اعراب سنی از سوی دیگر. این ظن قوی وجود دارد که با گذشت زمان از علاقه بغداد نسبت به توقف امتیازدهی به کردها کاسته می‌شود.

رابعاً کردها رفته رفته به این نتیجه می‌رسند که حیثیتی دیدن مسئله کرکوک و مبارزه بر الحاق آن به اقلیم یا تلقی کرکوک به عنوان اورشلیم کردها می‌تواند ضمن تولید نگرانی بیشتر برای مخالفان پر شمار آنها، فرصت‌های موجود را نیز از بین ببرد. آنها از هم اکنون و بدون اینکه کرکوک را به اقلیم کردستان ضمیمه کرده باشند از امتیازات آن استفاده می‌کنند. تبدیل شدن عراق به دومین صادرکننده نفت اوپک (پس از عربستان سعودی) و صدور روزانه بیش از دو میلیون بشکه نفت مرغوب از جنوب عراق (از حوالی کرکوک حداکثر ۲۰۰ هزار بشکه نفت در روز تولید می‌شود) (Ferris, 2004: 4)، فرصت و سوسه‌انگیزی برای کردها است که اقامه موضوع کرکوک، این روند بهره‌گیری بی‌سابقه را مختل می‌کند. علاوه بر این، کردها با اینکه حداکثر شش میلیون نفر از جمعیت ۴۴ میلیونی عراق در سال ۲۰۲۴ را به خود اختصاص داده‌اند یعنی با اینکه فقط ۱۲/۵ درصد جمعیت عراق را تشکیل می‌دهند، اما آنها ۱۷٪ بودجه عراق را به خود اختصاص داده، از عواید و فرصت‌های گمرکی و قراردادهای دوجانبه هم منتفع می‌شوند.

نکته پایانی اینکه معادله عراق و کل خاورمیانه متمایز از اسکاتلند یا اسپانیا است. در سال ۲۰۱۲، مردم اسکاتلند طی سستی دموکراتیک، انگلیسی‌ها را راضی کردند که به برگزاری همه‌پرسی برای استقلال

اسکاتلند رضایت دهد. یا در انتخابات دسامبر ۲۰۱۲، مردم ایالت کاتالونیای اسپانیا رأی به احزاب جدایی طلب دادند تا هفتمین منطقه اقتصادی اروپا و منطقه‌ای که یک چهارم اقتصاد اسپانیا به آنجا وابسته است، به روالی دموکراتیک مسیر استقلال یا خودمختاری را طی کند. در خاورمیانه اما این مسیر هموار نیست و اصرار بر هویت‌خواهی و امنیتی دیدن هویت ممکن است سنت‌ها و ساختارهای غیر دموکراتیک را فعال نماید. از این رو محتمل‌ترین سناریو این است که همسو با پیوستگی و وابستگی اقتصادی-تجاری مناطق مختلف عراق و نیز قدرتمند شدن دولت و جامعه در عراق دموکراتیک، رفته رفته از دامنه و شدت هویت‌خواهی در این منطقه کاسته خواهد شد. در بسیاری مواقع، محرومیت، معلول هویت متمایز نیست بلکه این محرومیت است که هویت را برجسته می‌سازد. به عبارت دیگر، همسو با رونق پیوندهای اقتصادی، تمایزهای هویتی تعدیل و غیر امنیتی می‌شوند.

فهرست منابع

منابع فارسی

- ۱- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، «تأثیر خودگردانی کردهای شمال عراق بر کشورهای همسایه»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۸۳.
- ۲- سریع‌القلم، محمود (۱۳۶۹)، نظام بین‌الملل و مسئله صحرا، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۳- عمر، سوران (۱۳۹۰)، زندانی‌های سیاسی را به صلیب سرخ هم نشان نمی‌دهند، گفتگوی احسان هوشمند با سوران عمر، سردبیر مجله ریگا مگزین، منتشر شده در فصلنامه گفتگو (ویژه‌نامه اقلیم کردستان).
- ۴- گروهی از محققان موضوع کرکوک (۲۰۰۱)، کرکوک: بحوث الندوه العلمیه حول کرکوک، اربیل، ئاراس.
- ۵- گروهی از نویسندگان (۲۰۰۹)، کرکوک مدینه القومیات المتاخیه، اقلیم کردستان، ئاراس.
- ۶- مارتین، لنور جی (۱۳۸۹)، چهره جدید امنیت در خاورمیانه، ترجمه قدیر نصری، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

منابع غیر فارسی

- 1- Ahmad. M., M. A, Thesis, on: The Political fallout of Ethnic Cleaning in Iraq Kurdistan, California, Mazola.
- 2- Alkadiri. R (2010), Oil and the Question of Federalism in Iraq, International affairs, 86: 6. Availble at: www.Amazon.com, full Text, 2013.
- 3- Aziz, Sardar& Van Veen, Ervin, The Crisis of Representation in the Kurdistan Region of Iraq, Clingendael report (CRU), April 2023, Available at: https://www.clingendael.org/sites/default/files/2023-04/Crisis_of_representation_final.pdf.
- 4- Aziz. M (2011), the Kurds of Iraq: Ethno nationalism and National Identity in Iraqi Kurdistan, London: L. B. Tauris.
- 5- Barkey. H. J & Laipson. E (2005), Iraqi Kurds and Iraq's future, Middle East Policy, Vol. Xii, No. 4

- 6- Chapman. D. P (2011), Security Forces of the Kurdistan Regional Government, California, Mazda.
- 7- European Parliament (2008), Kirkuk Problem and Article 140: Defining Alternatives, Conference report, Brussels.
- 8- Ferris, Elizabeth, et al, The random and its Potential Impact on Displacement in Iraq, 3 March 2008, The Brookings Institution – University of Bern, Project on Internal Displacement, Available at: https://www.brookings.edu/wp-content/uploads/2016/06/0303_iraq_ferris.pdf
- 9- Gunter. M. M & Yavuz. H. M (2005), The Continuing Crisis in Iraqi Kurdistan, Middle East Policy, Vol. Xii, No. 1.
- 10- Gunter. M.M(2006), federalism and the Kurds of Iraq: the solution or the problem, Publish in Jabar, Falah and Dawod, Hashem (eds), The Kurds: Nationalism and Politics, London, Saqi.
- 11- Hadi, Huda, Ahmed, Abdullah Hameed Merzok, (2023) Kirkuk and the Ottoman-Safavid Conflict Over Iraq in the 17th Century, Available at: <https://kurdishstudies.net/menu-script/index.php/ks/article/view/2635/1691>
- 12- Hiltermann. J. R (2010), Spoils of Babylon, The National Interest.
- 13- Iraqi's Kurds: Toward on Historic Compromise? (2004), Published by Crisis Group in Middle East Report.
- 14- Larry Hanauer, Laurel E. Miller, Resolving Kirkuk: Lessons Learned from Settlements of Earlier Ethno-Territorial Conflicts, Available at: https://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/monographs/2012/RAND_MG1198.pdf
- 15- Morris, Samuel et al, The Future of Kirkuk: A Roadmap for Resolving the Status of the Governorate, MERI Policy Report, September 2015, The Middle East Research Institute, Available at: <https://www.meri-k.org/wp-content/uploads/2015/09/The-Future-of-Kirkuk-A-Roadmap-for-Resolving-the-Status-of-the-Province-English.pdf>
- 16- Oleary. B & McGarry. J & Salih. K (2005), The Future of Kurdistan in Iraq, Philadelphia: University of Pennsylvania Press.
- 17- Romano, David, The Future of Kirkuk, Ethnos politics, Formerly Global Review of Ethnos politics, volume 6, 2007 Available at: <https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/17449050701345033?scroll=top&needAccess=true>
- 18- Romano. D (2010), Iraqi Kurdistan: Challengers of Autonomy in the wake of us withdrawal, International Affairs, 86: 6.